



ترجمه و راهنمای

مبادئ العربیة

سید حسن فاطمی

معلم رشید شرتونی. ترجمه و راهنمای مبادئ العربیة (جلد سوم) یا کاملترین صرف و نحو عربی. ترجمه و اقتباس از دکتر محمد جواد شریعت، (چاپ اول: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲) و زیری.

«مبادئ العربیة» یکی از متون آموزشی ادبیات عرب است که با سبکی بدیع در چهار مجلد به نگارش درآمده است. در تمام این مجلدات، مطالب صرفی و نحوی مستقلاً و بدون ارتباط با مجلدات دیگر آورده شده، با این تفاوت که محتوای هر جلد کامل تر و گسترده تر از جلد قبل است،^۱ و این خود می تواند از امتیازات آن محسوب شود.

«تمرین ۳» در کنار هر کلمه وزن آن را بنویسید:
رام: فاعل - جوار: فواعل - قم: افعال - اسع: افعال - مزدر: مفتعل - مستدر: مستفعل
هنگامی که به خاطر قواعد اعلال حرفی از کلمه ای حذف می شود از وزن آن نیز حذف می گردد،^۲ بنابراین وزن صحیح کلمات فوق به ترتیب چنین است: فاع، فواع، قُل، افع، مفتع، مستفع.

این کتاب مزایای دیگری نیز دارد؛ از جمله:
۱- بیان مطالب با عباراتی ساده و روان.
۲- طرح مباحث به صورت سؤال و جواب.
۳- دسته بندی و تفکیک مطالب به گونه ای که محصل سردرگم نمی شود.
۴- وجود تمرینات مناسب در پایان هر درس.

«تمرین ۴» معانی افعال مزید را بیان کنید:
تَزَكَّرَكَ: مبالغه
چنانچه در درس آمده است، باب «تفعّلل» برای مطاوعه و پذیرش صیغه مجرد آن است.^۳ در لغت نیز «تَزَكَّرَكَ» یعنی

آقای دکتر محمد جواد شریعت علاوه بر ترجمه تمام مجلدات «مبادئ العربیة» پاسخ تمرینات - به جز جلد اول - را نیز آورده است. در این نوشتار تنها به کاستیهای قسمت پاسخ به تمرینات می پردازیم.
برای نشانی مطالب به جای شماره صفحه، شماره تمرین و سؤال را می آوریم تا خواننده بتواند به هر کدام از متون عربی و فارسی مراجعه کند.

۱. اشکالی که در جلد سوم به نظر می رسد، این است که حجم آن حدوسط میان جلد دوم و چهارم نیست، بلکه نزدیک جلد دوم است. علت این است که شخصی به نام کرم بستانی این جلد را خلاصه کرده است.
۲. میثال عاصی، امیل بدیع یعقوب، المعجم المفصل فی اللغة والادب، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ اول، جلد ۲، ص ۱۲۲۵.
۳. مبادئ العربیة، ج ۳، پاسخ سؤال ۲۰.

«جناباند» و «تزلزل» یعنی «جنبید»^۴.

تمرین ۶- فعلهای صحیح و معتل و مهموز و انواع هریک را تعیین کنید:

تمحلّ (صحیح مضاعف).

این فعل از باب «تفعلّ» است، بنابراین صحیح و سالم است.

تمرین ۹- موارد جواز و جوب ضمایر مستتر در عبارات زیر را مشخص کنید:

الف- جعل اخی ینشد (جوازا) الشعر.

ب- یکاد قلبی یهترّ (جوازا) طریاً.

ضمیر در خبر افعال مقاربه و جویاً مستتر است.^۵

تمرین ۱۴- افعال زیر چه صیغه ای هستند؟

الف- لا تبیعن کتابک (مفرد غایب مؤنث و مخاطب).

کاف مفتوح در «کتابک» نشاندهنده این است که فعل فقط

مفرد مذکر مخاطب است.

ب- هل یخرمن (مفرد مذکر غایب مؤنث و مخاطب)

روشن است که فعل در عبارت فوق فقط «مفرد مذکر غایب» است

که نون تأکید ثقیله به آن متصل شده است.

تمرین ۱۸- از فعلهای زیر اسمهای مره و نوع بسازید:

الف- استجاب (استجابة. استجابة)

ب- اصطاد (اصطيادة. اصطيادة)

ج- اسرع (اسرعة. اسرعة)

د- اقال (اقالة. اقالة)

اسم مره و اسم نوع از غیر ثلاثی مجرد به یک صورت ساخته

می شوند؛ یعنی تنها در آخر مصدر تاء اضافه می شود.^۶ بنابراین

در پاسخهای فوق، کلمه اول غلط است.

در تمرین ۲۵ (کلمات اصلی و مزید را مشخص کنید):

«شحرور» به عنوان کلمه اصلی معرفی شده، در حالی که او در

آن زاید است.

تمرین ۳۱- کلمات زیر را به صورت مکسر جمع ببینید:

مهماز- مهمامیز. نبیلة- نبیلاء

جمع «مهماز»، «مهامز» و «مهامیز» است و جمع «نبیلة»،

«نبائل» است.^۷

تمرین ۳۵- به کلمات زیر چگونه نسبت داده می شود؟

الف- عیّ- عیی

هنگام نسبت در صورتی که یاء مشدّد حرف دوم واقع شود،

یاء اول به اصل آن بازگشته و یاء دوم به او تبدیل می شود.^۸ پس

پاسخ صحیح «عیوی» است.

ب- ربیئة- ربیثی

ج- سفینة- سفینی

د- کتیبة- کتیبی

ه- غنیمة- غنیمی

اسمی که بر وزن «فعیلة» است، اگر معتل العین و مضاعف نباشد، هنگام نسبت دادن پس از حذف «یاء» و «تاء»، حرف قبل از «یاء» مفتوح می شود.^۹ بنابراین جواب صحیح در مثالهای مزبور چنین است: «ربئی»، «سفنی»، «کتبی» و «غنمی».

و- عدة- عدوی

ز- ثقة- وثقی

ح- صلة- وصلی

در صورتی که فاء الفعل اسم ثلاثی محذوف باشد و لام الفعل نیز حرف صحیح باشد، هنگام نسبت دادن حرف محذوف بازگردانده نمی شود؛^{۱۰} بنابراین پاسخ صحیح چنین است:

«عدی»، «ثقی»، «صلی».

ظ- جید- جیدی

ی- سید- سیدی

در صورتی که حرف ماقبل آخر یاء مشدّد و مکسور باشد، هنگام نسبت دادن «یاء» مخفف و ساکن می شود.^{۱۱} پاسخ صحیح چنین است: «جیدی» و «سیدی».

تمرین ۳۶- کلمات زیر را مصغر کنید:

الف- بنت- بُنیت

اسم ثلاثی که بعضی از حروف اصلی آن حذف شده است، هنگام تصغیر، حرف محذوف بازگردانده می شود خواه عوض از محذوف حرفی آورده باشد یا نه؟ «بنت» در اصل «بنو» بوده و «تاء» به جای «واو» آمده است.^{۱۲} بنابراین مصغر آن «بنیة» می شود.

ب- عثمان- عثمین

عَلَم و صفتی که الف و نون زاید داشته باشد، هنگام تصغیر،

۴. احمد سیّاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین.

۵. پاسخ سؤال ۴۲.

۶. پاسخ سؤال ۹۳.

۷. پاسخ سؤال ۱۳۹.

۸. پاسخ سؤال ۱۶۴.

۹. پاسخ سؤال ۱۶۵.

۱۰. المعجم المفصل فی اللغة والادب، ج ۲، ص ۱۲۵۰.

۱۱. همان، ص ۱۲۵۱.

۱۲. محمدرضا طباطبایی، صرف ساده، انتشارات دارالعلم (چاپ

سیزدهم، ۱۳۶۵)، ص ۱۷۲.

الف به حال خود باقی می ماند. ۱۳ پس جواب صحیح، «عثمان» است، مانند سلیمان.

تمرین ۳۹- علل منع صرف در کلمات زیر را بیان کنید:

الف- لبنان: علم، جورج: علم، بطرس سبورج: علم، سقراط: علم، میثال: علم، ابراهیم: علم

در موارد فوق تنها «علم» بودن علت منع صرف نیست، بلکه عجمی بودن نیز از عوامل منع صرف بوده و ذکر آن لازم است.

ب- رباع: معدول، مسدس: معدول

«معدول» و «صفت» هر دو سبب منع صرف شده اند.

ج- اهيف: وزن افعال، احسن: افعال

«وزن افعال» و «صفت» با هم سبب منع صرف شده اند.

د- رومة: علم.

«علم» و «تأنيث» سبب منع صرف شده اند.

ه- عثمان: علم.

«علم» و «الف و نون زاید» سبب منع صرف شده اند.

تمرین ۴۹- ظرف زمان و ظرف مکان را در جملات زیر

تعیین کنید:

الف- زرته يوم الاحد بكرة. جواب: يوم (زمان).

«بكرة» نیز ظرف زمان است، ولی تعیین نشده است.

ب- نصبت خيامي على ضفة النهر فوق الوادي. جواب:

فوق (مکان)

«ضفة» نیز ظرف مکان است.

ج- فصل الربيع اجمل فصول السنة. جواب: فصل الربيع

(زمان). فصول السنة (زمان)

اگر به معنای عبارت دقت شود، متوجه خواهیم شد که هیچ یک از کلمات آن معنای ظرفیت ندارند.

تمرین ۵۵- در صورت لزوم، فاء شرط را بر سر جواب

در آورید: «لاتنكب على الملاهي فتندم».

جواب: «لاتنكب على الملاهي فتندم».

همچنین در تمرین ۵۷- در تصحیح عبارات زیر، یعنی:

«اسرع الى اغاثتي تنقذني من فحالب الدهر».

آمده است: «اسرع الى اغاثتي (فتنقذني) من فحالب الدهر».

در صورتی که جواب شرط، مضارع و مثبت باشد، آوردن «فاء» جایز است نه لازم. ۱۴ بنابراین در پاسخ سؤال ۳۱۳ آمده

است: «تب الى الله تخلص»

در اینجا نیز فعل، مضارع و مثبت است و جواب شرط مقدر است؛ در نتیجه آوردن «فاء» لازم نیست.

تمرین ۵۸- در جمله های زیر فاعل را مشخص کنید:

و افاني من عند ابي ماقررت به عينا.

در پاسخ تنها «ما» به عنوان فاعل معرفی شده، حال آنکه «ت» نیز فاعل «قررت» است.

تمرین ۶۳- مبتدا و خبر را مشخص کنید:

الف- كل شيء من الدنيا سماعه اعظم من عيانه.

جواب: كل (مبتدا) سماعه (مبتدا) اعظم (خبر).

در عبارت فوق جمله «سماعه اعظم من عيانه» نیز خبر برای مبتدای اول است، اما مشخص نشده است.

ب- الدهر مشاريه لاتصفو.

جواب: الدهر (مبتدا) مشاريه (مبتدا) لاتصفو (جمله خبر).

در اینجا نیز جمله «مشاريه لاتصفو» خبر برای «الدهر» است که مشخص نشده است.

ج- خير البر عاجله.

جواب: خير البر (خبر) عاجله (مبتدا)

یکی از موارد وجوب تقدیم مبتدا بر خبر این است که هر دو معرفه یا هر دو نکره باشند و از راه قرینه نتوان مبتدا و خبر را تشخیص داد. ۱۵ در اینجا چون «خير» و «عاجله» به معرفه اضافه شده اند، کسب تعریف کرده اند، پس اولی مبتدا و دومی خبر است.

تمرین ۶۵- علت وجوب تقدیم مبتدا یا خبر را ذکر کنید:

هل عندك حاجة فأقضيها لك (خبر مقدم شده چون جار و مجرور است و مبتدا نکره است).

روشن است که «عندك» ظرف است نه جار و مجرور.

تمرین ۶۷- نوع خبر را مشخص کنید (جامد یا مشتق، جمله یا شبه جمله):

الربيع ملك الفصول.

جواب: الربيع ملك (مفرد جامد).

«ملك» صفت مشبیه است، بنابراین مشتق است.

تمرین ۷۲- علت وجوب تقدیم خبر بر اسم یا اسم بر خبر را در جملات زیر ذکر کنید:

الا يصير الطالب وضع القدر اذا برهن عن ضعف في الامتحان ولم يكن من النابغين

تنها پس از «النابغين» چنین آمده است:

«اسم مقدم شده زیرا ضمیر مستتر است»

۱۳. همان.

۱۴. پاسخ سؤال ۳۱۲.

۱۵. پاسخ سؤال ۳۳۵.

در عبارت فوق «الطالب» نیز اسم است که بر «وضیع القدر» مقدم شده و سبب و جواب تقدیم این است که هر دو معرفه هستند و در صورت عدم تقدم اسم، موجب اشتباه خواهد شد.

تمرین ۷۸- در صورت جواز، حروف شبیه به لیس را در مثالهای زیر وارد کنید و جملات را اعراب گذاری نمایید:
الآن ساعة الندامة.

جواب: الآن لات ساعة ندامة.

اسم «لات» همیشه حذف می شود،^{۱۶} اما در پاسخ، اسم آن یعنی «الآن» آمده است.

تمرین ۸۲- جملات زیر را ترکیب کنید:

لیتی کنت معکم.

«معکم» به عنوان «جار و مجرور» معرفی شده، در حالی که «مضاف و مضاف الیه» است.

تمرین ۸۳- جملات زیر را اعراب گذاری و ترکیب کنید:

لا التویخ ولا التملیق یعملان فیه.

جواب: لا: نفی و حده یعنی عمل لیس را انجام می دهد.

-التویخ: اسم آن مرفوع به ضمه. -ولا: واو حرف عطف لا

نفی و حده. -التملیق: اسم آن مرفوع به ضمه. -یعملان: مضارع

مرفوع به نون و الف ضمیر متصل فاعل و جمله فعلیه محل آن

نصب، خبر لا اول و دوم. -فیه: جار و مجرور متعلق

یعملان.

شرط عمل لای شبیه به لیس این است که هر دو معمول نکره

باشند.^{۱۷} بنابراین ترکیب صحیح چنین است:

لا: حرف نفی. التویخ: مبتدا. و: حرف عطف. لا:

حرف نفی. التملیق: عطف به «التویخ» یعملان: خبر مبتداء،

جمله محلاً مرفوع. فیه: جار و مجرور متعلق به «یعملان».

تمرین ۸۹- با هریک از افعال قلوب جمله مفیدی بسازید:

«تعلمت النحو وانا صغیر».

«تعلم» زمانی جزء افعال قلوب است که به صیغه امر

باشد.^{۱۸} ولی در پاسخ به صورت صیغه ماضی آمده است.

تمرین ۹۱- با هریک از افعال دو مفعولی و سه مفعولی که در

درس آمده، جملات مفیدی بسازید:

الف- حدثک الجبان حديثاً مروّعاً.

ب- خبرک الراوی اخباراً متناقضة.

ج- اخبره حکایة لطيفة.

د- انبأته فاجعة قاضية علی البلد.

ه- نبأته امرأ شاملاً الجميع باضراره.

افعال «حدث»، «خبر»، «اخبر»، «انبأ» و «نبأ» از افعال سه مفعولی

هستند، اما تمام مثالهایی که برای آنها آمده، دو مفعول دارند و

تصور شده کلمات «مروّعاً»، «متناقضة»، «لطيفة»، «قاضية» و «شاملاً»

مفعول سوم هستند، حال آنکه تمام آنها صفتند.

تمرین ۹۳- با اسماء افعال زیر جمله بسازید:

آمین. جواب: اله واحد آمین.

«آمین» اسم فعل به معنای «استمع» است^{۱۹} و مسلم چنین

پاسخی غلط است. احتمالاً مترجم آن را «آمین» خوانده است.

تمرین ۹۹- مثالهای زیر را ترکیب کنید:

الف- یا ایها الملك الکریم نسأ.

«الملك»، عطف بیان از «ای» گرفته شده، ولی اگر اسمی

که بعد از «ایها» آمده مشتق باشد، صفت «ای» است.^{۲۰} در

این مثال «الملك» صفت مشبّه است و صفت «ای» است، نه

عطف بیان.

ب- هذا جوهر متنافس فیه.

جواب: ... جوهر: بدل از اسم اشاره که مانند آن مرفوع

است. -متنافس: خبر مبتدا مرفوع بضمه ظاهر ...

زمانی «جوهر»، بدل از اسم اشاره است که معرفه

باشد، بنابراین «جوهر» خبر مبتدا است و «متنافس» صفت

«جوهر» است.

تمرین ۱۰۱- فعل و آنچه به معنی آن است را به صیغه تعجب

تبدیل کنید.

کتمنا اسرارهم. جواب: ما اکتمنا لاسرارهم

صیغه های تعجب عبارتند از «ما فعله» و «افعل به» و این دو

صیغه همیشه مفردند.^{۲۱} اما در جواب می بینیم که جمع بسته

شده است.

تمرین ۱۰۸- مثالهای زیر را به صورت اشتغال درآوردید،

سپس مشغول عنه را اعراب گذاری کنید:

الف- هلاً اذخرت المال الی حین الحاجة.

ب- ألا حفظت اوامر الله.

ج- لو رأیتم الخلیل لسلمتم علیه.

۱۶. پاسخ سؤال ۳۶۷.

۱۷. پاسخ سؤال ۳۶۶.

۱۸. پاسخ سؤال ۳۹۸.

۱۹. پاسخ سؤال ۲۵۱.

۲۰. پاسخ سؤال ۴۳۹.

۲۱. پاسخ سؤال ۴۱۷.

د- متى تذبح الخروف لنزورك .

جواب :

الف- هلاّ المال اذخرت الى حين الحاجة .

ب- ألا اوامر الله حفظت .

ج- لو الخليل رأيتم لسلمتم عليه .

د- متى الخروف تذبح لنزورك .

استوى الماء والخشبة

جواب : ... والخشبة : واو معية . الخشبة مفعول معه

منصوب .

اگر فعل نیازمند چند فاعل باشد ، «واو» فقط حرف عطف است ، نه معیت .^{۲۳} در مثال فوق فعل ، فاعل متعدد می طلبد .

پس «واو» حرف عطف است .

«تمرین ۱۲۰- حال و صاحب حال را مشخص کنید و حالت هر کدام را بیان کنید که آیا معرفه است یا نکره ، جامد است یا مشتق و ... :

لا بد من قطع الشجرة يابسة .

جواب : لا بد من قطع الشجرة (صاحب حال مشتق معرفه)

يابسة (حال مشتق نکره) .

روشن است که «شجرة» جامد است نه مشتق .

«تمرین ۱۳۰- جملات زیر را اصلاح کنید :

البقر اصبر الاسود على التعب .

جواب : البقر اصبر من الاسود على التعب .

جواب از جهت معنی نامفهوم است . پاسخ صحیح چنین

است : «البقر الاسود اصبر على التعب» .

«تمرین ۱۳۱- جملات زیر را ترکیب کنید :

انّ الذى سمك السماء بنى لنا

بيتاً دعائمه اعزّ واطول

جواب : ... سمك : ماضى و فاعل هو . - السماء : مفعول به

منصوب و جمله خبر انّ

«سمك السماء» صله است و خبر «انّ» جمله «بنى لنا

بيتاً» است .

«تمرین ۱۳۸- اضافه معنویه و اضافه لفظیه را مشخص کنید :

الف- ناظم هذه القصيدة استاذ الشعراء .

جواب : ناظم هذه القصيدة استاذ (معنوی) الشعراء .

در عبارت فوق «ناظم» به «هذه» اضافه شده و آن ، اضافه

لفظیه است ، ولی مشخص نشده است .

«ب- يروقنى من اخيك صدق و داده .

جواب : يروقنى من اخيك صدق (معنوی) و داده»

اشتغال زمانى تحقق مى یابد که علاوه بر تقدم اسم بر فعل ، فعل در ضمير آن اسم عمل کند یا در چیزی عمل کند که به ضمير آن اسم اضافه شده باشد ؛ مانند «الشمير اكلته» و «البستان مررت به» ؛ اما در پاسخهای فوق می بینیم که هیچ کدام از فعلها نه در ضمير آن اسم عمل کرده و نه در چیزی که به ضمير آن اسم اضافه شده ؛ بنابراین باید پاسخها به صورت زیر اصلاح شوند :

«اذخرته ، حفظتها ، رأيتموه و تذبحه»

«تمرین ۱۰۹- تنازع موجود میان مثالهای زیر را معین کنید و

آنها را اعراب گذاری کنید :

الف- آمنت واستعنت بالله (عامل دومى است) .

اگر دو عامل در طلب معمول متفق باشند (مثلاً هر دو فاعل یا

هر دو مفعول بخواهند) ، آن معمول برای هر دو است ، حال یا به

صورت فاعل یا مفعول یا مجرور مانند «سجد وصلى التقي» .^{۲۲}

بنابراین «بالله» معمول هر دو فعل است .

ب- استعان و استعنت بهم اخوتك (معمول دومى است) .

ضمير متصل در «استعنت» فاعل فعل است بنابراین «اخوة»

فاعل «استعان» است . پس جواب صحیح این است که

«اخوتك» معمول اولی است نه دومى .

«تمرین ۱۱۰- ترکیب کنید :

قام و ذهب الرجل . جواب : ... الرجل : فاعل ذهب

مرفوع .

چنانچه در اشکال پاسخ تمرین قبل گفتیم ، اگر دو عامل در

طلب معمول ، متفق باشند ، آن معمول برای هر دو است ؛

بنابراین «الرجل» فاعل هر دو فعل است .

«تمرین ۱۱۶- مفعول فيه را مشخص کنید :

الف- اقام ثمّ (سنة) .

«ثمّ» به معنی «آنجا» نیز مفعول فيه است ، اما

مشخص نشده .

«ب- (غدوة) و (عشية) (وقتا) نشاط .

«وقتا» مثنای مضاف است و مسلم در اینجا ظرف نیست تا

مفعول فيه باشد و اگر مفعول فيه بود «وقتی» نوشته می شد .

«تمرین ۱۱۹- مثالهای زیر را ترکیب کنید :

۲۲ . پاسخ سؤال ۴۳۱ .

۲۳ . پاسخ سؤال ۴۶۰ .

«اخیک» و «وداده» نیز مضاف و مضاف الیه هستند و اضافه در آنها معنوی است که مشخص نشده است.
«ج - ... یحدّثک من قدره خالق البرایا .

جواب: ... یحدّثک من قدره (معنوی) خالق البرایا»

اضافه در «خالق البرایا» لفظی است، اما مشخص نشده است.
«تمرین ۱۳۹ - جملات مفیدی ساخته و در آنها اسمهای دائم الاضافه و جهات شش گانه و آنچه جانشین آنها می شود، به کار برید و آنها را با ذکر سبب، اعراب گذاری کنید:

الف - حفظ الجميع سوی (مستثنی) الکسلان .

«سوی» ادات استثنا است، نه مستثنی .

«ب - سبحان (مفعول به) الله کیف زين السماء .

«سبحان» مفعول مطلق برای «اسبح» است .^{۲۴}

«تمرین ۱۴۰ - مضاف به مفرد و مضاف به جمله را مشخص کنید:

ماكنت اخالهم يعرضون عن مؤاساتي بعد (جمله) آن غمرتهم بفضلی .

در عبارت فوق «مؤاسات» و «فضل» به مفرد اضافه شده اند، ولی تعیین نشده است.

«تمرین ۱۵۰ - عطف بیان را در جملات زیر تعیین کنید:

الف - یا ایها الرجل ابن الاشراف (عطف بیان) .

«الرجل» نیز عطف بیان از «ای» است .

«ب - هرون الرشید (عطف بیان) اهدی ...

«الرشید» صفت برای «هارون» است، نه عطف بیان .

«تمرین ۱۵۳ - معانی حروف جر را بیان نموده و جملات را اعراب گذاری کنید:

الف - بعث الدار بألف (باء برای بدل) دینار .

«باء» در جمله فوق برای مقابله است، چنانچه مؤلف در درس برای مقابله چنین مثال می آورد: «بعته بألف»^{۲۵}

«ب - ائی لکاره (ابتدا) هذه الحالة المنكودة»

لام در جمله فوق حرف جر نیست، بلکه حرف تأکید است؛ حتی در کتاب کلمه «کاره» مرفوع ضبط شده است .

«تمرین ۱۵۴ - معانی حروف را بیان نموده، حرکت جمله ها را بگذارید:

الف - طالما نصحتک ولم تنتصح .

جواب: طالما نصحتک ولم (برای تنبیه) تنتصح .

روشن است که «لم» حرف نفی و جزم است، نه تنبیه .

«ب - لا افارقک او تبوح لی باسراک»

جواب: لا (حرف نفی) افارقک او (عطف) تبوح لی (برای

تعلیل) باسراک (تعدیه) .

توجه به معنای جمله فوق اشتباه در پاسخ را روشن می سازد: «از تو جدا نمی شوم تا اینکه رازت را برایم آشکار سازی»

«او» ناصب فعل مضارع است،^{۲۶} نه حرف عطف . «لام» نیز برای ملکیت است .

«تمرین ۱۵۵ - معانی حروف را بیان نموده، حرکت جمله ها را بگذارید:

الف - ما ان اتيت بشی انت تکرهه .

جواب: ما (نفی) ان (زائد) اتيت بشی (باء زائد) انت تکرهه .

«باء» در این جمله برای تعدیه است، و زائد نیست .

«ب - لو كانت الشمس طالعة لكان الضوء موجوداً .

جواب: لو (برای تفضیل) كانت الشمس طالعة لكان (لام رابطه جواب لو) الضوء موجوداً .

در نحو، تفضیل یا تفصیل به عنوان یکی از معانی «لو» خوانده نشده است و در اینجا حرف شرط است .

«ج - مالکم من اله غیره .

جواب: ما (برای نفی) لکم (لام برای تبلیغ) من (ابتدا) اله غیره .

توجه به معنای عبارت روشن می سازد که اولاً، «لام» برای ملکیت است، نه تبلیغ؛ ثانیاً، «من» حرف زاید است و شرط آن را داراست؛ یعنی قبل از نکره واقع شده و قبل از آن حرف نفی

آمده است .^{۲۷}

تمرینات ۱۵۶ و ۱۵۷ در قسمت ترجمه متن آمده ولی به آنها پاسخ داده نشده است .



۲۴ . المعجم المفصل فی اللغة والادب، ج ۲، ص ۷۰۷ .

۲۵ . پاسخ سؤال ۵۵۹ .

۲۶ . مشهور میان نحویین این است که «او» حرف نصب نیست، بلکه پس از آن «ان» مقدر است که فعل مضارع را نصب می دهد، ولی مؤلف، خود «او» را حرف نصب خوانده است (پاسخ سؤال ۲۹۶) .

۲۷ . پاسخ سؤال ۶۰۷ .